روزگار پرفراز و نشیب بانوی ایرانی/عراقی

نگاهی به رمان «بازمانده» نوشته انعام کجه‌جی

احمد آفتابی

حتما شنیده اید که کتاب، بهترین دوست انسان است. در تکمیل این گزین گویه ماندگار، اجازه دهید عرض کنم که دوستان کتاب‌خوان و کتاب‌شناس نیز همین گونه اند. مدتی پیش، یکی از دوستان فاضل و دوست‌دار کتاب که خود مترجمی توانمند و متخصص در برگرداندن آثار عربی به فارسی است، ضمن معرفی کتاب ارزشمند «رمان عربی؛ درآمدی تحلیلی-انتقادی»، نوشته دکتر حمدی سکّوت، ترجمه عظیم طهماسبی، نشر نیلوفر ۱۳۹۶ (به امید خدا، در نوشته‌ای مستقل به معرفی این کتاب خواهیم پرداخت که یکی از عالمانه ترین کارها درباره تاریخچه رمان عربی، و در عین حال و مستقل از موضوع، نمونه درخشانی است از یک پژوهش آکادمیک و سروشکل‌دار)، حقیر را با آثار نویسنده معاصر عراقی، خانم انعام کجه جی، آشنا کرد. خوشبختانه، هر چهار رمان مهم این نویسنده کاملا مسلط بر چم‌وخم عالم ادبیات، و در کنار آن، آگاه از مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه عراق در برهه‌های مختلف تاریخی [که به سبب نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی به ایران عزیزمان، رمان هایی به شدت برای ما جذاب و خواندنی اند] به فارسی ترجمه شده‌اند. در ادامه، ضمنِ سپاسگزاری از دوستی که مسبّب آشنایی‌ام با آثار این بانوی نویسنده شد، به معرفی رمان «بازمانده» می‌پردازیم.

داستان در بیمارستانی واقع در پاریس سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز می‌شود؛ جایی که شخصیت اصلی رمان که بانویی است حدود هشتادساله، با نام اصلی تاج‌الملوک و نام مخفف و خودبرگزیده تاجی، به مرور خاطرات و زندگی پرفراز‌ونشیبش می‌پردازد؛ از تولد در ایران گرفته تا مهاجرت به عتبات در کودکی، از گذراندن دوران نوجوانی زیر دست ناپدری ادیب اما مریض تا خروجِ جسورانه از منزل ناپدری و ورود به محافل جوانان هنجارگریز و آنارشیست دهه پنجاه میلادی بغداد، از روزنامه‌نگار سیاسی شدن تا تقرب به دستگاه پادشاهی عراق و مؤانست با نوری سعیدِ نخست‌وزیر، از درگیری‌های عاطفی تا ازدواج‌های بدفرجام در عراق و انگلستان که شهرت مادام چامپیون برای تاجی، یادگار یکی از آن‌هاست؛ و خلاصه، هزار اتفاق ریز و درشت دیگر که در یک بستر واقعی تاریخی و جغرافیایی، گاه راوی دانای کل آن را روایت می‌کند و گاه خود تاجی، به عنوان راوی اول شخص البته در مواردی غیرقابل اعتماد، هنگام گفت‌وگو با دومین شخصیت مهم رمان که دختری است به نام ودیان. جالب است که ودیان، با اینکه حدود بیست سالی از تاجی جوان‌تر است و به نسل دیگری از جوانان عراقی تعلق دارد، تجاربی مشابه با تاجی را، البته در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، پشت سر گذاشته است. ما خوانندگان، همگام با این دو راوی اصلی رمان و البته راوی سومی با نام منصور البادی که سال‌هاست گرفتار عشق تاجی است، در یک ساختار روایی پیچیده و سرشار از رفت‌وبرگشت‌های زمانی و مکانی، با داستان عراق دهه‌های ۴۰ تا ۹۰ میلادی و تا حدودی عراق معاصر آشنا می‌شویم؛ داستان تغییرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه و تأثیر آن بر روان افراد؛ چه آن‌هایی که در عراق زیستند و چه «تبعیدیان فراوانی که برگشتند تا میوه‌های دموکراسی را بچینند» (به نقل از صفحه ۳۴۳ رمان).

در اینجا حیف است که به هنر مترجم رمان، به ویژه در زمینه «واژه‌گزینی» اشاره نکنیم. از آنجا که شخصیت اصلی داستان یا همان تاجی، خود اهل ادبیات است و در خانه‌ای بالیده که محل آمدوشد شعرا و ادبا بوده است، هم نویسنده و هم به تبعِ او، مترجم، در بخش‌های مرتبط با تاجی، از واژگانی فاخر و فخیم، و در مواردی که خوشبختانه به افراط نمی‌گراید، از واج‌آرایی و سجع سود جسته‌اند. در پایان، شواهدی از ادبیت متن ترجمه‌شده رمان به همراه شماره صفحه مربوط تقدیم می‌شود: «صیادی ماهر که ماهی گرفتار در تور را محکم می‌کشید.» (ص ۴۳)؛ «سیراب از آداب بادیه دستش را بلند کرد.» (ص ۶۰)؛ «[تاجی] به چرای چهره مردانی می‌رفت که به ردیف کنار پنجره‌ها می‌نشستند.» (ص ۷۱)؛ «در روزهای ابریشمی[ن] نامزدی بودیم، و برای اندوه تازه‌کار.» (ص ۱۳۳)؛ «همچون اسب سواری که سرش را به وهمی گرم کند [که یادآور مطلع عربی غزلی است از سعدی: سَلِ المصانعَ رکباً تهیمُ فی الفَلَواتِ]» (ص ۱۳۷)؛ «شترمرغانی بودیم که سرشان را توی شن‌های ترس چپانده بودند.» (ص ۱۳۸)؛ «[تاجی] بدش می‌آمد از جواهرات طلایی در مچ و گردن. زیورش در زبانش ریخته بود. استدلال و نطق زیبا و گنجینه شعری که در سر داشت؛ عسل زبان.» (ص ۱۴۴)؛ «همه‌ما شکستیم [اشاره به جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷]. بیرون آمدیم به امید چیدن انجیر و انگور و زیتون، و با مشتی خاکستر برگشتیم.» (ص ۳۰۶).

امیدوارم از خواندنِ این رمان چندژانری (تاریخی، سیاسی، عاشقانه) و چندصدایی (دارای راویان متعدد)، به شدت تکنیکی و ادیبانه لذت ببرید و با گفت‌وگو درباره آن در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه، این لذت مبتنی بر فهم را با دیگران نیز به اشتراک بگذارید.



بازمانده
نوشته انعام کجه جی
برگردان فارسی
محمد حزبایی‌زاده
نشر ثالث، ۱۳۹۹

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗
موردی که شما یاد گرفتید.
ویراسته ✓
نکته‌ای که شما یاد گرفتید.
نکته
در ادامه نکته‌های دو روز گذشته، بد نیست اضافه کنم که گاهی واژه «مورد»، که در اصل به معنای محل ورود و آبشخور است، جایگزین واژه‌های خوب دیگر می‌شود. مانند:
-موردی ندارد (اشکالی ندارد).
-کدام مورد درست است (کدام گزینه درست است).
-برای تدریس مورد خوبی پیدا کردم (برای تدریس مدرس خوبی پیدا کردم؛ برای تدریس آموزگار خوبی پیدا کردم؛ برای تدریس استاد خوبی پیدا کردم).

#زین_قند_پارسی



عکس: محسن بخشنده| شهرآرا

جلسه هم‌فکری زیست‌بوم رسانه و هنر به ابتکار مؤسسه فرهنگی شهرآرا برگزار شد

جهشی برای فضای رسانه و هنر شهر

گروه فرهنگ و ادبیات

رویداد

نشست هم فکری زیست بوم رسانه ای مشهد به میزبانی مؤسسه فرهنگی شهرآرا و با حضور تعدادی از فعالان و مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای شهر در ساختمان شهدای شهرداری مشهد برگزار شد. سیدمیثم موسوی‌مهر، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی شهرآرا، در ابتدای نشست در توضیح این طرح و جلسه گفت: موضوع زیست‌بوم رسانه و هنر یکی از ایده هایی است که حدود یک سال و نیم درباره آن در مجموعه شهرداری و شهرآرا صحبت و فکر کرده‌ایم. ایده‌ای است که بهانه توسعه شهرآراست و مأموریتی که با رویکرد تمرکز بر حوزه رسانه برای شهرآرا تعریف شده است. سؤال‌هایی طرح شده و سؤال اول ما این است که زیست‌بوم رسانه کجا و چطور می‌تواند به اهداف مدنظر فعالان حوزه رسانه در مشهد کمک کند؟ می‌خواهیم نظر شما را درباره زیست‌بوم رسانه بشنویم. در حوزه‌های مختلف، کارهایی در حال انجام است؛ در آستان قدس و حوزه هنری و جاهای دیگر. امیدواریم بتوانیم به هم‌افزایی برسیم. عرصه بین‌الملل هم برای ما موضوعیت دارد؛ یعنی مشهد می‌تواند بارانداز خوبی برای کنشگری‌های عرصه بین‌المللی باشد، چه رسانه‌های بین‌المللی در مشهد و چه مشهد در عرصه بین‌المللی. نقشه‌ای که مدنظر حوزه شهرداری بوده، ذیل واژه جهان شهر برکت و کرامت دیده شده است.

او در بخشی دیگر از این نشست اظهار کرد: الان در لحظه تولد یک اتفاق خوب هستیم. به نظر من با حمایت و مطالبه‌گری شما این جریان درست‌تر و سریع‌تر شکل می‌گیرد.

این انگیزه از سمت مدیریت شهری و رسانه‌های شهر هم وجود دارد و سعی کرده‌ایم نقطه تلاقی خوبی باشیم. دنیای پلتفرم‌های مشهد - از جنس رسانه و نرم‌افزار - تک و کم‌نظیر است. موقعیت مشهد بی‌نظیر است اما نتوانسته‌ایم روایت دقیقی از بی‌نظیری خودمان داشته باشیم. ما را در کنجی محدود کرده‌اند. به عنوان بن بست به ما نگاه می‌کنند و کسی هم نمی‌آید در این باره تلاش کند.

در ادامه، گزیده ای از صحبت‌های برخی حاضران می‌آید.

مهدی یک‌پسر، فعال فرهنگی و رسانه

واگرایی، یکی از چالش‌ها در مشهد است

یکی از نکته‌های جدی در این موضوع، انگیزه‌هایی است که این اجتماع و این زیست‌بوم را فراهم می‌کند. قصه مکرر واگرایی حوزه‌های مختلف در شهر مشهد، چالشی قدیمی بوده و شاید اگر پیگیری برای رسیدن به چنین موضوعی در دستور کار قرار گرفته و در سال‌های گذشته تلاش‌هایی برای آن شده، از همین باب بوده است. دوستان در شهرداری پیگیر سه موضوع اصلی بوده‌اند؛ قطب صنایع فرهنگی و هاب رسانه و سوغات زائر. در نتیجه آن چیزی که در مجموعه شهرآرا مقدر شد، اتفاقی است که الان با عنوان زیست‌بوم هنر و رسانه پیگیری شده است. علاوه بر آن، پروژه پادگان مشهد که معروف به اراضی سی و هشت هکتاری است، برای ایجاد دهکده ارتباطات در نظر گرفته شده و پروپوزالی هم برای آن نوشته شده و ابعاد مختلف آن تعریف شده است. مقصود این است که بازیگران مختلف این حوزه، اعم از تولیدکنندگان تا سرویس دهندگان، در کنار همدیگر قرار بگیرند.

ماهان صفایی، عضو هیئت مدیره مؤسسه فرهنگی شهرآرا

مسئله هر رسانه‌ای، مخاطب است

در سال‌های اخیر، سیر تغییر در رسانه‌ها سرعت زیادی گرفته است و نقطه هدف رسانه هم شاید تغییر کرده باشد. رسانه‌های عمومی به رسانه‌های جمعی تبدیل شده‌اند، رسانه‌های جمعی به رسانه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی و در نهایت انسان-رسانه‌ها هستند که امروز افکار و اذهان را راهبری می‌کنند. اگر امروز به زیست‌بوم رسانه فکر می‌کنیم، باید در کنار ابعاد اجتماعی به بُعد فردی آن هم فکر کنیم. امروز افرادی هستند که رسانه دارند و رسانه تأثیرگذاری هم دارند، به این خاطر که مخاطب دارند. مسئله رسانه، هر رسانه‌ای، مخاطب است. هر چه مخاطب بیشتر، رسانه موفق‌تر. هم‌افزایی در تولیدات رسانه‌ای خواهد توانست موفقیت بهتری را برای رسانه‌های شهر مشهد به ارمغان بیاورد.

امیر جلیل‌نژاد، روزنامه‌نگار

وجود حرم مطهر می‌تواند نخ تسبیح زیست‌بوم باشد

آن چیزی که می‌تواند نخ تسبیح و هدف زیست‌بوم باشد که با تغییر سیاست‌ها و مدیریت سیاسی هم تحت‌تأثیر قرار نگیرد، توجه به آن چیزی است که مشهد را از فضای بقیه کشور مجزا می‌کند و آن وجود حرم مطهر است و این نکته بسیار مهمی است. وجود مدفن حضرت رضا(ع)، برکات بسیاری را برای این شهر فراهم کرده است؛ اما در سپهر رسانه‌ای و آن چیزی که الان در فضای رسانه با آن روبه‌رو هستیم، آن چنان که باید، به این موضوع توجه نشده است. آن چیزی که می‌تواند نخ تسبیح و هدف این زیست‌بوم باشد، ارتقای شناخت نسبت به حضرت رضا(ع) برای مردم مشهد، مردم خراسان، مردم کشور و حتی مردم جهان است.

مجید عسگری، مدیر حوزه هنری خراسان رضوی

باید به رشد و تکثیر رسانه‌های موفق توجه شود

این روزها دیگر نمی‌شود هنر و رسانه و صنایع فرهنگی را از هم جدا کرد. خواهش من این است که به جای اینکه به سمت طرح‌های پیچیده برویم، کار را ساده‌سازی کنیم. در شکل‌گیری زیست‌بوم، در عین اینکه بازیگران این حوزه کنار هم جمع می‌شوند، اصلی‌ترین راهبرد، ایجاد نمونه‌های رسانه‌ای موفق است که قابل رشد و تکثیر باشند. این مهم‌ترین راهبردی است که باعث تمایز از دیگر کارهایی می‌شود که جاهای دیگر انجام می‌دهند. با تجربه‌ای که در رویداد «رج» داشتیم، دیدیم که با یک فراخوان و مربیگری در یک بازه دوسه‌ماهه، پنجاه شصت نفر به فضای رسانه‌ای اضافه شدند. از این رو تکثیر می‌تواند اصلی‌ترین هدف این دورهم‌جمع شدن‌ها باشد.

محسن فرجادی، مدیر روزنامه اطلاعات در خراسان رضوی

زیست‌بوم یک واکنش جهانی است

تصور من از چیزی که به عنوان زیست‌بوم رسانه‌ای تعریف می‌کنیم، یک واکنش جهانی است. در کشورهای دیگر این واکنش برای حل‌شدن در جریان جهانی‌شدن است؛ اما طبیعتا در جمهوری اسلامی این واکنش برای حل‌نشدن در گفتمان غالب و برای هضم‌نشدن در چیزی است که در جهان در حال رخ‌دادن است. این هم می‌تواند برداشتی از زیست‌بوم رسانه‌ای باشد.

امیرمهدی کلیدری، کارشناس روابط بین‌الملل

مشهد، تعامل میان فرهنگی زیادی دارد

زیست‌بوم ترجمه اکوسیستم است که در نظام‌واره نوآوری به مثابه یک الگوی توسعه از آن استفاده می‌شود. تمام نظام‌واره ذیل بحثی به نام برندسازی ملی اتفاق می‌افتد. اگر اقتصاد دانش‌بنیان، ذیل برندسازی ملی اقدام نکند، یک اتفاق ابتر است که فقط شاید خودمان را در داخل خوش‌حال کند. کشورهایی که ذیل همین برندسازی ملی از این مدل استفاده کرده‌اند، روی کانون‌ها یا شهرهایی متمرکز شده‌اند. مثلا در کره‌جنوبی روی سئول و در ترکیه روی استانبول تمرکز پیدا کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های این انتخاب این بوده است که این شهرها بیشترین لبه ارتباطات میان فرهنگی را داشته‌اند. شاید الان یکی از دلایل توجیهی که برای مشهد داریم، این است که ۳ تا ۲۷۰ درجه تعامل میان فرهنگی دارد.

محسن هوشمند، رئیس مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی

مشهد ظرفیت پیام بزرگی دارد

آیا این چیزی که قرار است ایجاد شود، زیست‌بوم رسانه و هنر مشهد الرضاست یا زیست‌بوم شهر مشهد یا زیست‌بوم شهرداری مشهد؟ هریک از این‌ها می‌تواند تعریفی داشته باشد و باید از اول، تکلیف را روشن کنیم که کدام یک از این‌ها را می‌خواهیم. ما در مشهد ظرفیت پیام خیلی بزرگی داریم که این پیام بین‌المللی است و یکی از ضعف‌های ما رسانه‌ای‌های مشهد، این است که به شدت مسائلمان را محلی کرده‌ایم؛ در صورتی که مسائلی داشته‌ایم که اساسا ادبیات و موضوع و پیام آن بین‌المللی بوده است. مثلا تا به حال درباره نوع کنش ارتباطی که مشهد می‌تواند با جهان اردوزبان پاکستان و شبه‌قاره داشته باشد، چقدر بحث کرده‌ایم؟ چقدر درباره زائران غیرایرانی بحث کرده‌ایم؟ چقدر درباره اینکه مشهد می‌تواند نمودی جدی برای انتقال پیام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به جهان باشد، بحث کرده‌ایم؟

مهدی انجیدنی، مدیرعامل پیام‌رسان «گپ»

چرا به روش‌های انتقال محتوا در اسلام فکر نکرده‌ایم؟

شاید ۱۰ سال است شکل رسانه‌های ما ثابت است و خلاقیت و نوآوری در آن نمی‌بینیم. تنها فرقی که کرده، این است که پیش از این سایت بوده و حالا شده کانال در پیام‌رسان‌ها. اکوسیستم شکل نگرفته است.

در زیست‌بوم باید با دیدگاهی علم و فناوری تولید شود که ما پنج سال آینده بگوییم رسانه‌هایی داریم متفاوت از رسانه‌هایی که غرب برای ما تعریف کرده است. چرا فکر می‌کنیم الگوی غربی برای رسانه بهترین الگوست؟

چرا به این فکر نکرده‌ایم که در مبانی دینی ما در اسلام، چه روش‌هایی برای انتقال محتوا دیده شده است؟ جالب است که در کشورمان تحقیقات نسبتا خوبی را چندین تیم حوزوی و دانشگاهی در مهندسی اسلامی رسانه انجام داده‌اند، ولی هیچ‌وقت استفاده نشده است؛ حتی توسط خود صداوسیما. دلیلش این است که جایی نداریم که دانشمندان و پژوهشگران در کنار بهره‌برداران قرار بگیرند.

وحدت عماد، معاون مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس

پشتیبان نباید سیاست‌های خودش را بدمد

باید بدانیم که نسبت پشتیبان این زیست بوم، یعنی شهرآرا و شهرداری مشهد با آن چیست و چقدر می‌خواهند داخل این زیست‌بوم باشند. به نظر من یکی از شرط‌های موفقیت این است که فاصله‌ای بین پشتیبان واصل کار وجود داشته باشد. اگر پشتیبان بخواهد سیاست‌های خودش را بیش از اندازه درون این زیست‌بوم بدمد و تزریق کند، شاید ره به جایی نبرد. باید دنبال راه مدنی‌تری باشیم. نکته دوم هم ارگانیسم مدیریتی و تصمیم‌گیری است. اگر کاری بخواهد شکل بگیرد، باید روحیات رسمی و اداری سازمانی مانند شهرداری، کمی کم‌رنگ شود؛ به شکلی که خواست اعضا و مشارکت افراد درون زیست‌بوم شکل بگیرد.

رضا حاتمی‌وفا، فعال فرهنگی و رسانه‌ای

برای ادامه کار باید تصدیگری شهرداری کم شود

به نظر من مسئله زیرساخت نیست، بلکه مأموریت است. لزوما زیر یک سقف جمع شدن، دردی را دوا نمی‌کند. زیست بوم می‌تواند از ظرفیت شهرآرا و آستان قدس و کسانی که دغدغه مشهد را دارند، شکل بگیرد. می‌توانند بخشی از بدنه‌شان را روی این حوزه متمرکز کنند. در این شهر کارهای رسانه‌ای پراکنده انجام می‌شود و دیده هم نمی‌شود. باید مأموریتی شکل بگیرد و به‌صورت جمعی کار را انجام و گسترش دهیم. اگر می‌خواهد ادامه پیدا کند، تصدیگری شهرداری باید کم شود.

مجتبی محمودی، روزنامه نگار و مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی شرق کشور

هژمونی ابررسانه را بشکنیم

بحث آموزش و تعالی اتفاق مهمی است. یکی از مسائلی که خیلی جدی با آن در ارتباط هستیم و به‌نوعی ابزار زندگی در زیست‌بوم جدید است، بحث سواد رسانه‌ای است که باعث می‌شود هژمونی ابررسانه‌های جهانی شکسته شود. یکی از معضلات ما این است که رسانه‌های بزرگ در دنیا افکار عمومی را در دست گرفته‌اند.

مهدی شاد، رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی

زیست بوم باید در پارادایم خود، سازمان‌ده باشد

مسئله زیست‌بوم در انتها به جریان می‌رسد. قرار است بین اجزایی که در آن منطقه قرار گرفته‌اند، جریان رقم بخورد. بزرگ‌ترین چالش و رودهای حاکمیتی از جنس نهادهایی که دارای پول نفت هستند، این است که نهادهای کوچکِ فعالِ پویا را به اختیار خودشان و به سلطه خودشان و به خدمت ایده آل‌های خودشان درمی‌آورند و در نهایت آن‌ها را هم ذبح می‌کنند؛ ولی اگر نهادها خودسازمان‌ده باشند، با همدیگر هم به اشتراک می‌رسند. ضامن این جریان، وجود آدم‌های تازه است. اگر قرار است زیست‌بوم به فرجام برسد، باید در همان پارادایم خود، سازمان‌ده بودن این تشکل‌ها به لزوم و حرکت در حوزه ارتباط‌گیری با نیروی تازه‌نفس و جوان برسد که او را کارآمدسازی کند.

مهدی شریفی، معاون سیمای خراسان رضوی

کارهای ابتر را آسیب‌شناسی کنیم

بحث زیرساخت مهیا خواهد شد؛ اما برای اینکه در بحث محتوا به نتیجه خوبی برسیم، بیشتر نیاز به هم‌فکری دارد. باید افراد صاحب‌فکر از هر نظر را جذب کنیم و اندیشه‌های مختلف و ظرفیت‌هایی را که مدنظر این رسانه است، ابتدا به دست بیاوریم و بعد غربالگری کنیم. نکته بعدی، آسیب‌شناسی است. باید کارهایی را که در مشهد یا استان ابتر مانده است، علت‌شناسی کرده و راهکاری برای رفع آسیب پیدا کنیم.

محسن سمیع، رئیس گروه رسانه و تبلیغات اداره ارشاد خراسان رضوی

آیا رسانه‌ای مانده است؟

ما زیست‌بوم داریم، رسانه داریم، تشکیلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری داریم، حال چرا به اینجا رسیده‌ایم که دنبال این هستیم که این‌ها کارآمد شوند؟ ما مرجعیت رسانه را از دست داده‌ایم و تنوع رسانه‌ای نداریم. برای کودک و نوجوانمان هیچ چیز نداریم. خوراک برای تغذیه نوجوان‌ها هست، اما دست‌مانیست. اساسا رسانه برای چه به وجود آمد؟ برای روشنگری. رسانه کارکردش این بود که ایرادها را نشان دهد. الان به رسانه‌مان اجازه می‌دهیم کار رسانه‌ای بکند؟ یا زمانی که آمد کار رسانه‌ای کند، روشنگری و افشاگری کند، جلویش را گرفته‌ایم؟ اساسا رسانه‌ای مانده که حالا ما از او بپرسیم کار می‌کنی یا نه؟ تمایل به حضور رسانه در ذهن خیلی از ما از بین رفته است. زیست‌بوم مدنظر باید این را تعریف کند.

عبدا...زاده، مدرس دانشگاه

رسانه به اقتصاد و اجتماع خدمت می‌دهد

وقتی به رسانه‌های موفق دنیا نگاه می‌کنیم، این‌ها به تنهایی بی‌معنی هستند، یعنی از یک حکمرانی بلند می‌شوند و در آن حکمرانی جایگاه اقتصادی بسیار قوی‌ای دارند. رسانه برای تقویت جایگاه اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی که مبانی توسعه پایدار است، کار می‌کند. به عبارتی این‌ها به همدیگر خدمات می‌دهند. یعنی رسانه خوب، اقتصاد خوب و بالعکس.

احسان کفشدار طوسی، مشاور رسانه‌ای حوزه علمیه خراسان

باید به حکمرانی ولایی سایبری برسیم

در طرحی که ما در مجموعه‌مان نوشته‌ایم، رسیده‌ایم به حکمرانی ولایی سایبری. باید در ۴۴ حوزه به حکمرانی ولایی برسیم و یکی از حوزه‌های اساسی و راهبردی‌اش حوزه سایبری است. در مدل حکمرانی، همه رسانه، همه فضای مجازی، همه هنر در خدمت مردمی قرار می‌گیرد که قرار است در کنار ولی‌شان، به خداوند متعال نزدیک بشوند. کشورهای مختلف دنیا زیست‌بومشان از کنار هم قرارگرفتن شرکت‌های بزرگ و به اشتراک‌گذاری ظرفیت‌هایشان کار می‌کند که به این قدرت برسند. پیشنهاد ما به صورت مشخص این است که در حوزه‌هایی حرکت کنیم که الان دنیا دارد به سمت آن می‌رود. پیشنهاد ما یک شهر سایبری است که هشت حوزه تخصصی دارد. شهر خبر و خبرگزاری یکی از این هشت حوزه است.

صادق حاتمی، فعال رسانه‌ای

هم‌افزایی در حوزه اندیشه ضروری است

مفهوم حکمرانی در جهان دارد تغییر می‌کند. حاکمیت‌ها امروز به اندازه گذشته قدرتمند نیستند. به این توجه کنیم که فضای مجازی دارد یک مرحله تمدنی جدید را طی می‌کند. در این سپهر جدید رسانه‌ای و حکمرانی، نگاه تمدنی اسلامی و جمهوری اسلامی کجای کار قرار دارد؟ هم‌افزایی که در حوزه اندیشه اتفاق بیفتد بسیار ضروری است. شاید به گمان خودم محتوای فرهنگی خارق‌العاده‌ای تولید کنم، اما وقتی این را برای چهار نفر دیگر - اندیشه‌های دیگر -بفرستم آن‌ها می‌توانند رشدش بدهند، تعالی‌اش ببخشند.

مجتبی سلیمی، سردبیر آخرین خبر

باید بستری برای رشد آدم‌های توانمند فراهم کنیم

زیست‌بوم اگر معنایش این است که می‌خواهیم بستر و فرصتی برای حضور جوانان باشد تا استعداد خود را بروز دهند، این مثبت است. اگر معنایش این است که بستری را فراهم کنیم تا در کشورهای همسایه شرقی اثر بگذاریم، این مثبت است. ولی آن طور که من متوجه می‌شوم، اگر مبنای ما این باشد که چند رسانه‌ای را که در مشهد هستند ببریم در جایی متمرکز کنیم، این زیست‌بوم نمی‌شود. کاری که این ایده شما می‌تواند انجام بدهد و موفقیت‌آمیز باشد، این است که بستری فراهم کند تا آدم‌هایی که در این حوزه توانمندی‌هایی دارند، با استفاده از آن امکانات رشد کنند.